



چاپخانه داران مسلمان در آسیای مرکزی دوره تزاری

ادیب خالد^۱

اولین چاپخانه در آسیای مرکزی را روس‌ها در فرماندهی نظامی تازه تأسیس خود در تاشکند و در سال ۱۸۶۸م | ۱۲۸۵ هـ. ایجاد کردند. البته چاپخانه‌های خصوصی هم وجود داشت اما دلایل اقتصادی و سیاسی باعث می‌شد که بیشتر آنها به نصاب روس‌ها درآید. برپایی یک چاپخانه، علاوه بر لزوم اخذ اجازه‌نامه رسمی، نیازمند سرمایه‌گذاری سنگین بود و گروهی اندک از مردم آسیای مرکزی توان مالی انجام آن را داشتند و نظام اداری تزاری مایل بود که این رسانه جدید در اختیار رعایای جدیدشان توسعه یابد.

پیدایی صنعت چاپ در جامعه‌ای یاسواد ادبی، تکثیر سریع آثار مکتوب را در مقیاسی بزرگ سبب می‌شود. این امر شیوه‌های کهن‌تر ارتباط و انتقال فرهنگ را تغییر می‌دهد، راهی برای اصلاح و صحنه‌ای برای رقابت سیاسی می‌گردد که چاپخانه‌داران (که صنعت جدید را در اختیار دارند) نقش اصلی را در آن بازی می‌کنند. نقش مهمی را که صاحبان صنعت چاپ در اولین سده‌های ایجاد چاپ، در زندگی روشنفکری اروپا بازی کردند، به‌خوبی شناسانده شده است.^(۱) نگاهی به تاریخ اولیه صنعت چاپ در آسیای مرکزی، به‌خوبی نشان‌دهنده شباهتهای آن با وضع موجود در دنیای اسلامی است. چاپخانه‌داران توانستند اصلاح‌گران فعالی شوند و یا برعکس. اصلاح‌گران فعال، برای بهتر پراکندن اندیشه‌های خود روی

۱. دکتر ادیب خالد، (Adeeb Khalid) محقق مسایل آسیای مرکزی از دانشگاه ویسکانسن آمریکا می‌باشد و این متن از مجله *Central Asian Survey* (Vol.2, No.3, 1992) توسط آقای محسن جعفری‌مذهب ترجمه شده است.



به چاپ آورند. البته عملکرد عمومی چاپخانه داران آسیای مرکزی با همتایان اروپایی آنان از جهات مهمی تفاوت داشت، زیرا صنعت چاپ توسط نیروهای خارجی وارد آسیای مرکزی شده و ریشه در محیطی استعماری داشت.

اولین چاپخانه در آسیای مرکزی را روس‌ها در فرماندهی نظامی تازه تأسیس خود در تاشکند و در سال ۱۸۶۸ م / ۱۲۸۵ هـ. ایجاد کردند. البته چاپخانه‌های خصوصی هم وجود داشت اما دلایل اقتصادی و سیاسی باعث می‌شد که بیشتر آنها به تصاحب روس‌ها درآید. برپایی یک چاپخانه، علاوه بر لزوم اخذ اجازه‌نامه رسمی، نیازمند سرمایه‌گذاری سنگین بود و گروهی اندک از مردم آسیای مرکزی توان مالی انجام آن را داشتند و نظام اداری تزاری مایل نبود که این رسانه جدید در اختیار رعایای جدیدشان توسعه یابد.

می‌دانیم که در دوره تزاری فقط ۵ مسلمان چاپخانه خصوصی داشتند. مرور کوتاهی بر کارهای آنان، نقش‌های متفاوتی را که چاپخانه‌داران در جامعه آسیای مرکزی به عهده داشتند، روشن می‌سازد. برای چنین پژوهشی، درک کامل مبانی اجتماعی اصلاح و تغییر در عصر تزاری نیز ضروری است که در ضمن یافت عمدتاً سیاسی تاریخ آسیای مرکزی را هم نشان می‌دهد.

اولین چاپخانه خصوصی محلی در آسیای مرکزی بسیار در خور توجه بود و آن چاپخانه سنگی بود که در مارس ۱۸۷۴ م / ۱۲۹۱ هـ. محمد رحیم خان حاکم خیره بنا نهاد بود. محمد رحیم خان (حکومت ۱۸۶۴ - ۱۹۱۰ م / ۱۲۸۱ - ۱۳۲۸ هـ.) که با تخلص «فیروز» شعر می‌گفت، با گردآوردن تعدادی شاعر و مورخ در دربار خود، تجدید حیات فرهنگی ضعیفی را ترویج می‌کرد.^(۲) چاپ، بخشی از این اقدام و وسیله‌ای برای ارائه فرهنگ درباری مجلل در شکلی جدید بود.

در سال ۱۸۷۴ م / ۱۲۹۱ هـ. اولین کار چاپخانه منتشر شد که دیوان مونس شاعر و مورخ خیره‌ای اوایل سده نوزدهم / سیزدهم هـ. بود. به دنبال آن کارهای نوایی، فضولی، بدیل و آگاهی منتشر شدند. بعضی کتابها قابل توجه بودند مانند چهار دیوان نوائی که در ۱۶۵۲ صفحه و در سال ۱۲۹۹ هـ. / ۲ - ۱۸۸۱ م منتشر شد و یا گلچین اشعار درباری که طبیعی گردآورده بود و در ۱۶۵۵ صفحه به نام مجموعه الشعرا در سال ۱۳۲۴ هـ. / ۱۹۰۶ م چاپ شد.

ولی تأثیر این چاپخانه بر حیات فکری بیرون از دربار خیوه بسیار کم بود. چاپخانه مانند فرهنگ درباری که در خدمت آن بود، بیشتر وسیله‌ای برای انبساط خاطر حکومتی بود تا وسیله‌ای برای روشنگری عمومی. بنابر مشاهدات شرق‌شناس روسی الکساندر نیکلایویچ ساموئیلوویچ در سال ۱۹۰۸ م / ۱۳۲۸ ه. : «چاپخانه جای ثابتی ندارد، سفارشهای تجاری نمی‌پذیرد و نامنظم کار می‌کند... نشریات چاپخانه به فروش نمی‌رسد، بلکه خان آنها را هدیه می‌دهد».^(۳) تیراژ این کتابها معمولاً بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ نسخه بود.^(۴) درباره اهمیت این چاپخانه باید با احتیاط اظهارنظر کرد و نباید آن را با تنها دستگاه آن که با دست کار می‌کرد، به عنوان اساس چاپ در آسیای مرکزی^(۵) و یا حتی موفقیتی برای مردم ترکمن^(۶) بشماریم.

محمدعظیم حاجی مرغیلانی بازرگان فرغانه‌ای، اولین مسلمانی بود که چاپخانه‌ای برای اهداف تجاری در آسیای مرکزی به راه انداخت. او در مسیر بازگشت از حج، در بمبئی وسایل چاپ را خرید و در سال ۱۸۸۴ م / ۱۳۰۱ ه آن را در مرغیلان نصب کرد. در سال ۱۸۸۷ م / ۱۳۰۴ ه این چاپخانه به خوقند منتقل شد و بزودی از بین رفت.^(۷) متأسفانه آگاهی بیشتری از زندگی عظیم حاجی در دست نیست و در میان چاپخانه‌داران مورد بحث ما، بسیار ناشناخته است.

پس از نابودی چاپخانه عظیم حاجی، آسیای مرکزی تا سال ۱۹۰۲ م / ۱۳۲۰ ه فاقد چاپخانه‌ای متعلق به مسلمانان بود تا آنکه غلام حسن عارف جان، چاپخانه‌ای را در تاشکند برپا کرد. عارف جان (۱۸۷۴-۱۹۴۷ م / ۱۲۹۱-۱۳۶۶ ه) مدت زمان زیادی در کار تجارت کتاب بود و شهرتش را از کار صحافی به دست آورد. در سال ۱۹۰۹ م / ۱۳۲۷ ه چاپخانه دستی خود را با چاپخانه‌ای که با نیروی بخار کار می‌کرد عوض کرد. او تا سال ۱۹۱۸ م / ۱۳۳۶ ه که چاپخانه‌اش ملی شد، مهمترین ناشر آثار ازبکی و فارسی در تاشکند بود. در این سالها چاپخانه غلامیه صدها جلد کتاب برای ناشران سراسر آسیای مرکزی چاپ کرد. عارف جان علاوه بر کار چاپ، ناشر و کتاب فروش هم بود و چند عنوان کتاب چاپ کرد و یکی از معروفترین کتاب‌فروشی‌های تاشکند را داشت.^(۸) عارف جان که پُرکارترین چاپخانه‌دار تاشکند بود، آثار گوناگونی را از اشعار کهن گرفته تا رسائل صوفیانه و حتی کتابهای درسی برای مدارس جدید چاپ می‌کرد. البته وقتی کتابهای خود را چاپ می‌کرد، سلیقه خاصی

داشت. او به دلیل انتشار چند کتاب از فضولی (۱۵۶۶م/ ۹۶۳ هـ)، بیاضی از مقیمی (۱۸۵۰-۱۹۰۳م) / ۱۲۶۶-۱۳۲۱ هـ) و مجموعه نورنامه که مجموعه‌ای از رساله‌های اصناف گوناگون است، شهرت دارد.^(۹) بعضی از این کتابها در تیراژ بیش از ۳ هزار نسخه چاپ شد که برای آن دوره زیاد بود.^(۱۰)

در سال ۱۹۰۸ م / ۱۳۲۶ هـ) اسحق خان توره جنیدالله خواجه اوغلی (۱۸۶۲-۱۹۳۷ میلادی مطابق با ۱۲۷۸-۱۳۵۶ هـ). اجازه تأسیس چاپخانه‌ای را در روستای زادگاه خود توره قورغان در دره فرغانه به دست آورد. اسحق خان از خانواده‌ای زمین دار بود. او آموزش سنتی را در مدرسه‌ای در خوقند دید و ۱۵ سال در توره قورغان، نمنگان، و خان‌آباد قاضی بود.^(۱۱) در بیست و پنج سالگی سفری پنج ساله (۱۸۸۷-۱۸۹۲م / ۱۳۰۴-۱۳۰۹ هـ) به عربستان، ایران، افغانستان، هند و ترکستان چین کرد. در طول این سفر مدت زیادی را در بمبئی گذراند و در آنجا با صنعت چاپ آشنا شده و به زبانها و خطوط خارجی علاقه‌مند شد.^(۱۲) در بازگشت به عنوان اصلاح‌گری فعال، دست به نوشتن گسترده در نشریه رسمی ترکستان ولایتیننگ گازی [نشریه سرزمین ترکستان] زد که محل مباحث عمومی در ترکستان بود و خوانندگان خود را به بیداری از «خواب غفلت» و دستیابی به دانش جدید فراخواهند. او در سال ۱۹۰۱ م / ۱۳۱۹ هـ کتاب لغت سته السنه [فرهنگ شش‌زبانه] را منتشر کرد که حاوی چندصد کلمه از یکی با معادل آنها به ترکی، فارسی، عربی، اردو و روسی (به خط عربی) بود.

اسحق خان در سایه ارتباط با اصلاحات صورت گرفته کوشید تا مجوزی برای تأسیس چاپخانه در سال ۱۹۰۸ م / ۱۳۲۶ هـ. کسب کند.^(۱۳) هنگامی که اجازه را گرفت، چاپخانه‌ای از اورنبورگ خرید که با راه آهن به خوقند و از آنجا بر پشت شتران به توره قورغان آورده و در منزل خود در توره قورغان نصب کرد. اما در سال ۱۹۱۰ م / ۱۳۲۸ هـ چاپخانه را به نمنگان منتقل نمود و تاتاری به نام حسین ماکایف را برای اداره آن استخدام کرد. چاپخانه وسایل چاپ سنگی و سربی داشت و چاپ سربی دارای حروف عربی، روسی، لاتین، و عبری بود.^(۱۴) با آنکه چاپخانه اسحاقیه مثل چاپخانه غلامیه پرکار نبود اما در سالهای پیش از ۱۹۱۷ م / ۱۳۳۵ هـ چند کتاب در خور توجه چاپ کرد که بسیاری از آنها نوشته اسحق خان و حسین ماکایف بود. برای نمونه، اسحق خان در سال ۱۹۱۲ م / ۱۳۳۰ هـ کتابی درباره الفباهای جهان



نوشت که شامل شرح تاریخی درباره تحول هر خط به همراه تصاویری از آن بود.^(۱۵) در همان سال برای اولین بار، نخستین نمایشنامه چاپ شده در آسیای مرکزی، از تاتاری به نام عبدالرئوف شهیدی را منتشر کرد.^(۱۶) در سال ۱۹۱۵ م / ۱۳۳۳ هـ هنگامی که آوازه‌خوان محبوب تاتار کامل المطیعی تحفة العین در آسیای مرکزی می‌گشت، چاپخانه اسحاقیه اشعاری از کنسرت او در نمندگان را منتشر کرد.^(۱۷)

چاپخانه اسحاقیه علاوه بر چاپ کتاب، آگهی‌های تجاری، اعلانات و مانند آنها را نیز چاپ می‌کرد. در سال ۱۹۱۷ م ۱۳۳۵ هـ و در بجهوحه انقلاب، حسین ماکایف از چاپخانه برای چاپ روزنامه استفاده کرد. در مارس ۱۹۱۷ م / ۱۳۳۵ هـ نشریه فرغانه نداسی [ندای فرغانه] را منتشر کرد که این هفته‌نامه پس از ۴۰ شماره تعطیل و بجای آن نشریه فرغانه صحیفه‌سی [روزنامه فرغانه] در نوامبر همان سال منتشر شد.^(۱۸) از سرانجام این چاپخانه تا زمان نگارش این مقاله آگاهی در دست نیست.

در سال ۱۹۱۴ م / ۱۳۳۲ هـ بازرگان خوقندی ایبجان محموداف، اجازه تاسیس چاپخانه‌ای را به دست آورد. ایبجان که از فعالان نهضت جدیدی بود، در ماه مارس ۱۹۱۳ م / ۱۳۳۱ هـ تلاش کرد تا امتیاز تاسیس یک چاپخانه و انتشار یک نشریه به نام نشریات ایبجان را به دست آورد.^(۱۹) او هر دو اجازه را گرفت و نشریه او سرانجام به نام صدای فرغانه چاپ شد. این روزنامه در بهار ۱۹۱۵ م / ۱۳۳۳ هـ به دلایل مالی تعطیل شد. چاپخانه ایبجان ظاهراً فقط تجهیزات چاپ سربی داشت اما هرگز کتابی چاپ نکرد، ولی این چاپخانه اوراق تجاری به زبان‌های روسی و ازبکی را چاپ می‌کرد.

ایبجان سهامدار اصلی شرکت کتاب غیرت بود که در سال ۱۹۱۵ م / ۱۳۳۳ هـ به عنوان شرکتی سهامی و به منظور چاپ متون درسی و تحریری برای مدارس جدید، و انتشار کتاب، نشریه و مجله برای مردم بومی به وجود آمده بود.^(۲۰) در فضای سیاسی تازه سال ۱۹۱۷ م / ۱۳۳۵ هـ ایبجان نشریه دیگری به نام تیریک‌سوز [حرف تازه] منتشر کرد که آن نیز بزودی تعطیل شد.^(۲۱)

ایبجان به صورت یک چهره سیاسی بزرگ در سال ۱۹۱۷ م / ۱۳۳۵ هـ ظاهر شد. او سخنگویی برجسته در کنگره مسلمانان ترکستان در ماه آوریل ۱۹۱۷ م / ۱۳۳۵ هـ و وزیر





تدارکات غذایی در حکومت خودمختار خوقند شد که از نوامبر ۱۹۱۷ م / صفر ۱۳۳۶ هـ تا فوریه ۱۹۱۸ م / جمادی الاول ۱۳۳۶ هـ دوام داشت. (۲۲)

چاپخانه داران دیگری نیز بودند، اما در واقع بیشتر کتابهای چاپ شده در آسیای مرکزی دوره تزاری، در چاپخانه‌های روسی چاپ می‌شد که سفارش می‌پذیرفتند. حتی چاپخانه حکومتی تاشکند نیز برای ناشران خصوصی کتاب چاپ می‌کرد (۲۳)، ولی در این موارد ارتباط صنعت جدید چاپ با جامعه مسلمانان بسیار ضعیف بود.

چاپخانه داران محلی، بیش از چاپخانه داران روسی با دنیای روشنفکری که بدان خدمت می‌کردند، در ارتباط بودند. نمونه‌های یادشده نشان می‌دهد که چاپخانه داران مسلمان بیشتر نقش ناشر و کتابفروشی را داشتند. هر چاپخانه تازه تأسیس، معمولاً امکانات مالی برای تأمین مخارج انتشار کتابهای جدید را داشت. افزون بر آن، اغلب اصلاح‌گران جلب صنعت چاپ می‌شدند و این بیشتر به دلیل عقاید اصلاح طلبانه آنان بود تا کسب منافع مادی، اسحق خان و اییجان به دلیل آنکه صنعت چاپ به آنان اجازه می‌داد تا پیام خود را به شکل بهتری پخش کنند، رو به چاپ آورند. این ترکیب بازرگانی و روشنفکری می‌توانست چاپخانه داران را به صورت چهره‌هایی سرشناس و مردمی در آورد. متأسفانه افراد کمی توان مالی ایجاد چاپخانه را داشتند و تعداد کمتری می‌توانستند از پس آزمایش اطمینان و وفاداری سیاسی برآیند. خان خیوه از این ملاحظات در امان بود، ولی او این صنعت جدید را برای اهداف کاملاً خصوصی به کار برد. به هر حال، تأثیر صنعت چاپ در جامعه آسیای مرکزی، به دست نظام استعماری حاکم بر آن به شدت کاهش یافت.

یادداشتها

۱. بهترین کارها در این زمینه عبارت‌اند از:

Elizabeth L. Eisenstein. *The Printing press as an Agent of Change: Communications and Cultural Transformations in Early - Modern Europe*, Cambridge: Cambridge University Press, 1979, 2 vols;

[الیزابت. ل. ایزنشتاین، چاپ به عنوان وسیله تغییر: ارتباطات و تحول فرهنگی در اروپای جدید، کمبریج، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۷۹، جلد ۲]؛ و

Robert Darnton, *The Business of Enlightenment: a Publishing History of the Encyclopedia*



1775-1800. Cambridge MA: Harvard University Press, 1979.

[رابرت دارنتون، پیشه روشنگری: تاریخ انتشارات دائرةالمعارف ۱۷۷۵-۱۸۰۰، کمبریج ماساچوست، انتشارات دانشگاه هاروارد، ۱۹۷۹].

۲. درباره رحیم خان و محفل دربار او بنگرید به:

H. F. Hofman, *Turkish Literature: a Biobibliographical Survey*, Utrecht: The Library of the University of Utrecht, 1969, s.v. «Firuz», and Passim.

[اچ.اف. هوفمان، ادبیات ترکی: یک بررسی زندگی‌نامه - کتابشناختی، اوترخت، کتابخانه دانشگاه اوترخت، ۱۹۶۹، تحت عنوان: «فیروز» و جاهای دیگر]. کار این محفل شامل گفتن شعر، نوشتن تاریخ و ترجمه آثار کلاسیک تاریخی و ادبیاتی عربی و فارسی بود.

3. A. N. Samoilovich, «Materialy po srednaziatsko - turetskoi literature, II: Khivinskie pridvornnye knigokhranilishcha i knigopechatnia», *Izvestiia Akademii Nauk Turkmenskoi SSR, ser. Obshchestvennykh nauk* (1981), No.1, p.82.

[آن. ساموئیلوویچ، منابعی درباره ادبیات آسیای میانه- ترکیه عثمانی، بخش ۲: مخازن کتاب و چاپ کتاب در دربار خیره، خبرنامه فرهنگستان علوم جمهوری ترکمنستان، مجموعه علوم اجتماعی (۱۹۸۱)، ش ۱ و ص ۸۲] در سال ۱۹۰۸ م / ۱۳۲۶ هـ چاپخانه در چادری از باغ حکومتی قرار داشت.

4. A. Iazberdyev, *Iz istorii bibliografirovaniia natsional'noi pechati narodov Srednei Azii vtoroi poloviny XIX i pervoi chetverti XX veka*, Ashkhabad: Ylym, 1974, pp.17-23.

[آ. یازبردی‌یف، تاریخچه تنظیم کتابشناسی برای مطبوعات ملی اقوام آسیای مرکزی در نیمه اول سده نوزدهم و ربع اول سده بیستم، عشق‌آباد، علم، ۱۹۷۴، ص ص ۱۷-۲۳]؛

5. Edward Allworth. *Central Asian Publishing and the Rise of Nationalism*, New York: New York Public Library, 1965, pp.10-14.

[ادوارد آلورث، انتشارات در آسیای مرکزی و خیرش ملی‌گرایی، نیویورک، ۱۹۶۵، ص ص ۱۰-۱۴]

۶. آلماز یازبردی‌یف در چندجا در این مورد بحث کرده است بنگرید به:

Iazberdyev, *op. cit.*, and Almaz Yazberdiyev, *Arap grafikasinda neshir edilen Tukmenche Kitaplar*, Ashkhabad: Ilim, 1981, pp.22-27.

[یازبردی‌یف، همانجا، و آلماز یازبردی‌یف، کتابهای ترکمنی منتشره به خط عربی، عشق‌آباد، علم، ۱۹۸۱، ص ص ۲۲-۲۷]

7. Rustam Kholmatov, *Farghona noshirlari wa nashrlari (XIX asr okhiri, XX asr awwaliga qadar)*, Tashkent: Ozbekiston, 1986, passim.

[رستم خولماتوف، ناشران و انتشارات فرغانه (اواخر سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰)، تاشکند، ازبکستان، ۱۹۸۶، همه جا].

8. Aziz Bobokhonov, *Ozbek matbaasi tarikhidan*, Tashkent: Wzbekiston, 1979, pp.164-75.

[عزیز باباخانوف، تاریخ چاپخانه‌های ازبک، تاشکند، ازبکستان، ۱۹۷۹، ص ص ۱۶۴-۱۷۵].

۹. همانجا؛ و نیز بنگرید به:

Rano Mahmudov, «Toshbosma asarlar wa ularning Wzbek adabiyoti tarikhidagi ahamiyati (XIX asr okhiri - XX asr boshlari)», unpublished dissertation, Tashkent 1970, pp.51-56.

[رعنا محمودووا، آثار چاپ سنگی و اهمیت آنها در تاریخ ادبیات ازبک (اواخر سده ۱۹- اوایل سده ۲۰)، رساله چاپ نشده، تاشکند، ۱۹۷۰، ص ص ۵۱-۵۶]

10. M. Rustamov, *Istorija knigoizdaniia v Turkestane*, Tashkent: Tashkent. Gos. Pedagog. Institute, 1983, p.17.

[م. رستم‌اف، تاریخ انتشار کتاب در ترکستان، تاشکند، دانشسرای دولتی تاشکند، ۱۹۸۳، ص ۱۷].

11. Olim Usmon, *Ozbekistonda rus tilining ilk targhibotchilari*, Tashkent: Wzbekiston SSR Ilmlar Akademiyasi Nashriyoti, 1962, p.40.

[عالم عثمان، اولین مبلغان زبان روس در ازبکستان، تاشکند، انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان، ۱۹۶۲، ص ۴۰].

12. Ishaq Khan Junaydullah Khoja - oghli, *Jami ul-khutut*, Namangan, 1912, p.5.

[اسحاق خان جنیدالله خواجه - اوغلی، جامع‌الخطوط، نمگان، ۱۹۱۲، ص ۵].

13. *Tsentral'nyi gosudarstvennyi Arkhiv Uzbekskoi SSR, Tashkent (TsGA Uzssr)*, f. 19, d.28853, 1.5.

[آرشبو مرکزی دولتی جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان (آ.م.د.از) ف ۱۹، د ۲۸۸۵۳:۵].
Abdurrauf Shahidi, *Mahramlar Namangan*, 1912, p.55.

۱۴. آگهی در [عبدالرئوف شهیدی، محرم‌لر، [آشنایان]، نمگان، ۱۹۱۲، ص ۵۵].

۱۵. اسحاق خان، جامع‌الخطوط، ۱۳۲ صص.

۱۶. شهیدی، محرم‌لر [آشنایان]؛ این اولین نمایشنامه‌ای بود که در آسیای مرکزی منتشر شد. پدرکش Pidarkush به‌یودی اولین نمایشنامه‌ای بود که توسط یک ترکستانی نوشته شد و از سال ۱۹۱۳ / ۱۳۳۱ هـ در ترکستان به‌اجرا درآمد.

17. Kamil ul-Muti i Tuhfatullin. *Mashur jirlauchimiz Kamil ul- Muti'i Tuhfatullin janablarining mufassal kansert prahgrammasi, yakhud Libretto*, Namangan: Ishaqiya, 1915, 36 pp.

[کامل‌المطیعی تحفة‌الین، برنامه مفصل کنسرت آوازه‌خوان مشهور ما جناب کامل‌المطیعی تحفة‌الین، نمگان، چاپخانه اسحاقیه، ۱۹۱۵، ۳۶ صص].

چاپ سربی با دو تصویر از هنرمند. این کتاب شامل ۳۱ آواز و ۴ دکلمه انجام شده در کنسرت نمگان در ۴ مارس ۱۹۱۵ م است.

18. Alexandre Bennigsen and Chantal Lemerrier - *Quelquejay, La Presse et le mouvement national chezles Musulmans de Russie avant 1920*, Paris: Mouton, 1964, p.266.

[الکساندر بنیگسن و چنتال لمرسیه - کولکوجای، چاپ و نهضت ملی در میان مسلمانان روسیه پیش از ۱۹۲۰، پاریس: موتون، ۱۹۶۴، ص ۲۶۶].

۱۹. آ.م.د.ا، ف ۱۹، د ۱۹۰۷۴، ۱۴:۲-۱۶.

۲۰. آ.م.د.ا، ف ۱، ا، پ ۳۱، د ۱۱۴۴، ۲:۳۴ - ۳۶.

۲۱. اشاره بنیگسن، کولکوجای به این روزنامه (همانجا صص ۱۶۷-۱۶۸) اشتباه است. اولین شماره این روزنامه در ۲ آوریل ۱۹۱۷ (تاریخ قدیم) منتشر شد.

22. Abdullah Receb Baysun, *Turkis Milli Hareketleri*, Istanbul, 1943, pp.7-8.

[عبدالله رجب بایسون، نهضت‌های اسلامی ترکستان، استانبول، ۱۹۴۳، صص ۷-۸].

۲۳. البته مقامات حق انتخاب مشتریان خود را داشتند و چاپخانه دستور داشت که با نشریه صدای ترکستان که جدیدی بود و در سال ۱۹۱۴ م / ۱۳۳۲ هـ منتشر می‌شد رابطه‌ای نداشته باشد، حتی بعد از آنکه نشریه بعداً از همان اداره اجازه انتشار گرفته بود (آ.م.د.ا، ف ۱، ا، پ ۳۱، د ۱۱۴۴، ۱:۵ و).